

## واشنگتن باید برای سقوط آل سعود آماده شود

۲ تحلیلگر برجسته اندیشکده‌های آمریکایی در مطلبی در پایگاه «دیفنس وان» به بررسی وضعیت عربستان پرداخته و تأکید کردند واشنگتن باید برای سقوط آل سعود آماده شود.



به گزارش آران نیوز به نقل از فارس، پایگاه «دیفنس وان» روز پنج‌شنبه در گزارشی به بررسی وضعیت درونی عربستان سعودی پرداخته و نوشته است که واشنگتن باید خود را برای فروپاشی رژیم سعودی آماده کند.

در این یادداشت که به قلم «سارا چیس» عضو ارشد برنامه دموکراسی و قانون بنیاد «کارنگی» و «الکس د وال» مدیر اجرایی بنیاد صلح جهانی نگاشته شده، آمده است: «در نیم قرن گذشته، پادشاهی عربستان سعودی همواره محور اصلی سیاست ایالات متحده در خاورمیانه بوده است. داشتن منبعی مطمئن از نفت موجب اطمینان از تأمین امنیت شده است. واشنگتن هم با نادیده گرفتن اقدامات استبدادی و صادرات افراط‌گرایی وهابی از سوی عربستان، همواره این متحد خود را "میان‌رو" توصیف کرده است. این اعتماد به حدی است که عناصر ویژه ایالات متحده، بدون لحظه‌ای تردید، از دلارهای نفتی عربستان سعودی به عنوان منبعی برای مبارزه با تروریسم استفاده می‌کنند. در این دریای ناآرامی، دستکم عربستان کشوری است که باثبات است.»

نویسندگان این یادداشت با طرح این سوال که آیا واقعا عربستان کشوری باثبات است، نوشته‌اند: «در واقع، عربستان سعودی اصلا یک کشور نیست. دو راه برای توصیف آن وجود دارد: یک مجموعه سیاسی با یک مدل تجاری هوشمندانه اما به غایت بی‌ثبات یا مجموعه‌ای که آنقدر فاسد است که یک سازمان بزهکار کاملا هماهنگ را به یاد می‌آورد. در هر دو حالت، این مجموعه دوام نخواهد آورد. دیگر برای آنکه سیاستگذاران آمریکایی برای جلوگیری از فروپاشی پادشاهی سعودی برنامه‌ریزی کنند، دیر شده است.» در ادامه این یادداشت آمده است: «در گفت‌وگوهایی که اخیرا بر مقامات نظامی و دولتی (آمریکا) داشتیم، از اینکه آن‌ها تا چه حد از چنین چشم‌اندازی وحشت دارند، وحشت‌زده شدیم.»

دیفنس وان سپس به تشریح وضعیت خاندان سعودی پرداخته و نوشته است: «پادشاه سعودی، مدیر یک تجارت خانوادگی است که از فروش نفت برای خرید وفاداری سیاسی استفاده می‌کند. این امر به دو صورت انجام می‌شود: پرداخت نقدی یا دادن امتیازات اقتصادی به فرزندان پرنس و هر روز رو به افزایش خاندان پادشاهی و مقدار ناچیزی از اقلام عمومی و فرصت‌های اقتصادی برای عوام. ابزار فشار هم از طریق سرویس‌های امنیت داخلی خشن عربستان که با هزینه بسیار به تجهیزات آمریکایی مجهز شده‌اند، تأمین می‌شود.»

در ادامه این گزارش با بیان اینکه واشنگتن همواره عربستان را به چشم منبع بی‌پایانی از پول دیده و این نگاه با وجود کاهش قیمت نفت و ماجراجویی ریاض در یمن هم ادامه دارد، نوشته است که با این حال تدابیر اخیر آل سعود، از جمله افزایش بیش از پیش تولید نفت برای جبران کاهش قیمت و همچنین تصمیم این کشور برای فروش سهام شرکت نفتی آرامکو، نشان می‌دهد که عربستان به پول نقد نیازمند شده است.

نویسندگان این گزارش سپس نوشته‌اند که همزمان با این کاهش درآمدها، هزینه «خرید وفاداری» هم در حال افزایش است و کشورها و شخصیت‌های سیاسی برای پیروی از سیاست‌های عربستان، هزینه‌ها و سخاوت بیشتر ریاض را طلب می‌کنند. سودان جنوبی و سومالی دو کشوری هستند که دیفنس وان از آن‌ها به عنوان نمونه‌های مشابه عربستان یاد کرده و نوشته است: «شاید چنین مقایسه‌ای موجب وهن سران سعودی باشد، اما این‌ها واقعیت هستند. اگر هزینه وفاداری همین‌طور افزایش یابد، پادشاهی سعودی از پرداخت هزینه‌های سیاسی ناتوان خواهد ماند.»

در ادامه این گزارش، سناریوی دوم مورد بررسی قرار گرفته است: یعنی عربستان به عنوان یک سازمان بزهکار. دیفنس وان با بیان اینکه در دوره‌ای که همه کشورها به سمت شفافیت بیشتر حرکت می‌کنند، طبقه ارشد سیاسیون عربستان در حال استفاده بی حساب و کتاب از منابع مالی این کشور و انجام خریدهای سخاوتمندانه برای خود در خارج است کشور هستند. به همین جهت می‌توان ریاض را حکومتی «کلپتوکراسی» (دزدسالاری) دانست.

نویسندگان این مطلب سپس با بیان اینکه حجم بالای فساد اقتصادی در کشورهایی چون نیجریه، اوکراین، برزیل، مولداوی و مالزی موجب شده تا در سال‌های اخیر این کشورها شاهد تظاهرات مردم و استعفای مقامات باشند، نوشته است که اتباع عربستان سعودی هم کم کم دارند احساس می‌کنند که «یک شهروند هستند، نه اشیاء» و همین امر می‌تواند آن‌ها را به سوی اعتراضات اجتماعی سوق دهد.

دیفنس وان نوشته است که فعلا، تقریبا فقط اقلیت شیعه عربستان سعودی هستند که دارند خواسته‌های سیاسی خود را مطرح می‌کنند. اما بعید است که طبقه تحصیل کرده اکثریت سنی هم بتواند برای همیشه به وضعیت فعلی که حکام سالخورده سعودی بر این کشور تحمیل کرده‌اند، راضی بمانند. کارگران خارجی هم طبقه دیگری هستند که حالا آنقدر تعدادشان در عربستان زیاد شده و آنقدر در معرض بهره‌کشی قرار گرفته‌اند که می‌توان انتظار داشت که به زودی برای گرفتن حقوق خود به پا خیزند.

در ادامه این گزارش آمده است: «برای چندین دهه، ریاض با تبعید کردن منتقدانی چون اسامه بن لادن، فشارها بر خود را کاهش داده و در عین حال افراط‌گرایی را به جهان اسلام صادر کرده است. اما این راهبرد می‌تواند برای عربستان تبعات داشته باشد: انتقادات بن لادن از فساد سعودی‌ها، حالا از سوی دیگران مطرح می‌شود و بین بسیاری از اعراب هم انعکاس می‌یابد. شاه سلمان که حالا هشتاد و چند ساله است، آن زرنگی‌هایی را که برادر ناتنی‌اش، عبدالله، داشت را هم ندارد. با این حال، وی برخی از عناصر آشنا در جعبه ابزار دیکتاتورها را در اختیار دارد: اعدام ناراضی‌ها، آغاز جنگ‌های خارجی و تشدید منازعات فرقه‌ای با هدف بی‌اعتبار کردن خواسته‌های شیعیان عربستان و افزایش روحیه ملی‌گرایی. هریک از این موارد، خود ریسکی شدید به همراه دارند.»

در بخش پایانی این گزارش، چشم‌انداز عربستان با تضعیف قدرت سلمان در این کشور مورد بررسی قرار گرفته و عنوان شده است که می‌توان چند سناریو در نظر گرفت. اولین مورد این است که میزان هزینه‌ها آنقدر افزایش یابد که کسی توان پرداخت آن را نداشته باشد، در نتیجه جناح‌های مختلف خاندان حاکم به منازعه با یکدیگر خواهند پرداخت. سناریوی دوم، شکل‌گیری یک جنگ خارجی است، که به عقیده نویسندگان مطلب با توجه به بالا گرفتن تنش بین ایران و عربستان، به راه افتادن جنگ چندان هم دور از ذهن نیست. و سومین سناریو، شورش اجتماعی در عربستان است، که می‌تواند توسط مردم و به صورت غیر خشونت‌آمیز یا توسط گروه‌های افراط‌گرا و مسلحانه باشد.

نویسندگان این گزارش با بیان اینکه مقامات نظامی و اطلاعاتی آمریکا باید از حالا به بررسی سناریوهای مختلف پس از فروپاشی حکومت سعودی پرداخته و خود را برای آن آماده کند، نوشته‌اند که ایالات متحده باید از عادت همیشگی خود که سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود را بر اساس واقعیت‌های گذشته پیش می‌برد، دست بردارد.